

# کارگر کمونیست ۷۱

پنجشنبه، ۱۷ آبان ۱۳۸۶  
۸ نوامبر ۲۰۰۷

دو هفته یکبار، پنجشنبه، منتشر میشود

نشریه ای از حزب کمونیست کارگری ایران - درباره مسائل جنبش کارگری

kargar\_komonist@yahoo.com

www.wpiran.org/kk-index.htm



کاظم نیکخواه

هم طرفهای غربی و نظم نوینی و هم جمهوری اسلامی و کل ارتجاع اسلام سیاسی مصالح و معضلاتی دارند که با این کشاکش و با وارد شدن به این کشاکش بسیار مهم و بسیار خطرناک میخواهند پاسخ دهند. هیچکدام نمیتواند بدون اینکه شکست بخورد عقب بنشینند. در عین حال شکست یک طرف، روشن است که پیروزی طرف دیگر است. و پیروزی هرکدام از آنها برای مردم

صفحه ۳

## کارگران علیه جنگ و فضای جنگی

جهان، همه ظاهرا حکایت از این دارد که ما داریم به مرحله ای، به نقطه ای که حمله نظامی شروع شود نزدیک میشویم.

اینکه حمله نظامی از جانب نیروهای نیروهای نظامی آمریکا یا اسرائیل نزدیک باشد قطعی نیست و میتوان موانع آنرا برشمرد. اما این مهمترین جنبه مساله نیست. واقعیت اینست که این کشاکش راه بازگشتی به نقطه صفر را باقی نمیگذارد. راهی برای بازگشت به عقب و پاک کردن کل صورت مساله کشاکش خطرناک میان آمریکا و غرب با جمهوری اسلامی وجود ندارد. هردوسوی این کشاکش یعنی

این روزها يك موضوع داغ در سطح بین المللی در همه جا مساله کشاکش حکومت آمریکا با جمهوری اسلامی است. این بحث بطور جدی مطرح است که آیا حمله نظامی بزودی شروع میشود یا نه. بسیاری از مفسرین و جریانات مختلف به این سوال جواب مثبت میدهند. شاخ و شانه کشیدنیهای دوطرف، اعلام بالا رفتن ظرفیت غنی سازی اورانیوم توسط جمهوری اسلامی، اظهارات سران حکومت دست راستی آمریکا، شدت یافتن تحریمها علیه ایران، آماده باش نظامی، آمد و رفتهای فعال دیپلماتیک در منطقه و در سطح

## نامه کمیته همبستگی بین المللی کارگری حزب کمونیست کارگری ایران به سازمانها و اتحادیه های کارگری در سراسر جهان

وزارت اطلاعات شروع به دستگیری کارگران اعتصابی در هفت تپه کرده است

### کارگران خواهان حمایت جهانی هستند

کارگران اعلام کردند که اگر همکارانشان آزاد نشوند ۴۰۰۰ کارگر شرکت و ۲۰۰۰ کارگر فضلی وابسته به آن از روز پنجشنبه ۸ نوامبر دست به اعتصاب یکپارچه خواهند زد.

جرم کارگران شرکت در اعتصاب برای حقوقها و مزایای معوقه، جمع آوری ۲۵۰۰ امضا برای تشکیل سندیکا، خواست برپائی منظم و هفتگی مجمع عمومی است. احتمالا در جریان هستند که بیش از ۴ هزار کارگر نیشکر هفت تپه از تاریخ ۲۹ سپتامبر تا ۱۰ اکتبر در اعتراض به دستمزدهای پرداخت نشده و خواستهای دیگر خود دست به اعتصاب زدند و پس از یازده روز

صفحه ۷

## کارگران هفت تپه و مساله نوع شکل

یاشار سهندی از ایران - صفحه ۶

## صفحه اخبار بین المللی کارگری

۱- گوشه ای از مبارزات کارگران معادن ذغال سنگ در آمریکا  
سالهای (۱۹۶۴ - ۱۹۸۰)

نوشته: پاول جی. نایدن (نشریه ماتتلی ریویو)

ترجمه و تلخیص: نادر احمدی

۲- اعتراض گسترده کارگران ساختمانی در دبی داود رفاهی



اصغر کریمی

اعتصابات امروز است، بویژه اعتصابات که طولانی میشود. راه حل درست برای مقابله با این توطئه ها چیست؟

به دستگیری و بازداشت فعالین اعتصاب باید بعنوان مهمترین مساله اعتصاب نگاه کرد:

با دستگیری کارگران، اعتصاب وارد فاز جدیدی میشود و همه چیز

صفحه ۴

## اعتصاب قسمت دوم: مقابله با احضار و دستگیری رهبران اعتصاب

و نماینده مجلس و غیره برقرار میشود. دسته جمعی برای شکستن اعتصاب و عقب راندن کارگران شروع به چاره جوئی و توطئه میکنند. معمولا امام جمعه و نماینده مجلس با زبان نرم حرف میزنند و وانمود میکنند که طرفدار کارگران اند و وعده های نامشخص و توخالی میدهند که کارگران را بفریبند تا اعتصاب را تمام کنند و موقعی که کارساز نمیشود ارگانهای دیگر شروع به تهدید و دستگیری میکنند. این داستان همه

در بخش اول این بحث به مجمع عمومی پرداختیم و اینجا به نحوه مقابله با وزارت اطلاعات و دستگیری و تهدید فعالین و رهبران اعتصاب میپردازیم.

تهدید فعالین اعتصاب و نمایندگان کارگران و احضار و بازداشت آنها يك حربه همیشگی وزارت اطلاعات و ارگانهای سرکوب حکومت است. در طول اعتصاب رابطه فشرده ای میان کارفرما و مدیریت با وزارت اطلاعات و نیروهای انتظامی و امام جمعه شهر

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## بیانیه تعدادی از کارگران شاغل در کارخانجات ماشین سازی تبریز، تراکتور سازی تبریز، پالایشگاه تبریز، پتروشیمی تبریز و کارخانه سیمان صوفیان تبریز

سراسر ایران میخواهیم که با این خویشتن بحق هم صدا شوند. داشتن زندگی شرافتمندانه حق همه کارگران است.

۵- به اوضاع و احوال ناشی از تبلیغات جنگی دولت جمهوری اسلامی و سرمایه داری جهان غرب برهبری امریکا بر علیه همدیگر و ایجاد فضای جنگی در عرصه بین المللی و تاثیرات مخرب آن بر جامعه ایران اعتراض داریم. کارگران بیش از سایر بخشهای جامعه از چنین فضائی آسیب میبینند. افزایش فشار اقتصادی، نا امنی شغلی، گرانی و تورم، تبعاتی است که زندگی کارگران را بیش از پیش به سیاهی و تباهی میکشاند. ما کارگران خواهان صلح و آزادی هستیم و از همه کارگران نیز میخواهیم که دوش بدوش بشریت متمنن جهان به هر دو طرف این کشمکش اعتراض کنند. 7/8/86

۳- از مبارزات دانشجویان در شهر های مختلف، بویژه مبارزات دانشجویان دانشگاه امیر کبیر حمایت میکنیم و زندانی کردن رهبران این مبارزه را محکوم کرده و خواستار آزادی همه زندانیان سیاسی و از جمله رهبران اعتراضات این دانشگاه، بنامهای احمد قصابان، مجید توکلی و احسان منصوری هستیم.

۴- نسبت به شرایط اقتصادی ضد انسانی موجود که نتیجه عملکرد سیستم سرمایه داری علیه کارگران و زحمتکشان جامعه است، اعتراض داشته و خواهان افزایش دستمزدها به سطح یک میلیون تومان هستیم و امروز یک زندگی ساده خانواده 5 نفره کارگری در ایران با این مبلغ فقط حداقل خواهد بود. گواه ما گرانی بی حد و حصر تمامی مایحتاج اولیه زندگی در ایران امروز است. از سایر کارگران در

تعدادی از کارگران شاغل در کارخانجات ماشین سازی تبریز، تراکتور سازی تبریز، پالایشگاه تبریز، پتروشیمی تبریز و کارخانه سیمان صوفیان تبریز به: همه سازمانها و احزاب کارگری و انساندوست در جهان ما کارگران کارخانجات مجتمع های صنعتی مذکور بالا:

۱- ترور مجید حمیدی فعال کارگری در سنندج را محکوم میکنیم و خواستار دستگیری و معرفی آمرین و عاملین این جنایت آشکار به مردم هستیم.

۲- از مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه و کاغذ سازی کارون حمایت میکنیم. دستگیری و آزار و اذیت رهبران مبارزات این کارگران را محکوم میکنیم و از کارگران سایر مراکز کارگری هم میخواهیم که از این اعتراض و مبارزه حمایت کنند.

## قطعه نامه تعدادی از کارگران مجتمع های پتروشیمی منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر، مارون، بندر امام، کارون، فارابی، فن آوران، اروند، غدیر و فجر در اعتراض به شرایط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی حاضر در ایران

۴- ما خواهان توقف مجازات اعدام هستیم و اعدام را نه روشی برای مجازات مجرمین، بلکه قتل عمد دولتی میدانیم و از همه میخواهیم از خواست لغو مجازات اعدام و حذف آن از قوانین قضائی جامعه، حمایت کنند.

۵- فشار اقتصادی بی حد و حصری ما کارگران را تحت انقیاد خود گرفته است که همگی ناشی از عملکرد سیستم اقتصادی سرمایه داری در این دوره از زندگی ماست. تنها راه دفاع از زندگی و معیشت از راه افزایش دستمزدها متناسب با بالا رفتن قیمت اقلام اساسی زندگی، خورد و خوراک، مسکن و بهداشت و درمان و پوشاک است. در این رابطه با یک حساب و کتاب ساده، برای داشتن یک زندگی حداقل خانواده 5 نفره کارگری نیاز به دستمزدی معادل یک میلیون تومان است. ما خواهان طرح این

میکنیم و خواهان دستگیری و محاکمه عوامل این جنایت هستیم.

۲- از اعتراضات دانشجویان دانشگاه امیر کبیر حمایت کرده و صدور احکام زندان به سه دانشجوی دستگیر شده این دانشگاه به نامهای احمد قصابان، احسان منصوری و مجید توکلی را محکوم میکنیم و خواهان آزادی زندانیان سیاسی و از جمله آزادی این فعالین دانشجویی هستیم.

۳- از اعتراضات و خواسته های کارگران نیشکر هفت تپه و کاغذسازی کارون حمایت میکنیم و هرگونه اعمال فشار به رهبران کارگری این مجتمع ها را محکوم میکنیم. احکام زندان به فعالین کارگری سنندج و سقز و سایر احکام، از جمله احکام زندان محمود صالحی، منصور اسانلو و ابراهیم مددی را محکوم کرده و خواهان لغو این احکام هستیم.

به: همه مردم ایران، کارگران، جوانان و زنان ایران

همه احزاب سیاسی و سازمانهای کارگری و انساندوست

ما کارگران کارخانجات بالا در اعتراض به شرایط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی حاضر و بویژه ترور مجید حمیدی، احکام زندان به رهبران کارگری و دانشجویان دانشگاه امیر کبیر و سایر دانشگاهها، احکام اعدام و به اجرا گذاشتن احکام اعدام در ملاعام و یا در هر شکل دیگری با قصد ارباب جامعه و عقب راندن مردم معترض، و همچنین فشار روزافزون اقتصادی به کارگران و مردم زحمتکش، قطعه نامه زیر را امضا نموده و به اطلاع همگان میرسانیم و بدینوسیله از همه می خواهیم که از خواسته های ما حمایت نمایند:

۱- ترور مجید حمیدی را محکوم



اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

**منصور حکمت**

## کارگر کمونیست

نشریه ای از حزب کمونیست کارگری ایران

درباره مسائل جنبش کارگری

سردبیر: کاظم نیکخواه

Email: kargar\_komonist@yahoo.com

Fax: 001 309 404 1794

هیئت تحریریه

ناصر اصغری

nasser\_asgary@yahoo.com

شهلا دانشفر

shahla\_daneshfar@yahoo.com

یاشار سهندی

y\_sahandi@yahoo.com

حسن صالحی

hasan\_salehi2001@yahoo.com

Tel: 0046 739 318 404

Fax: 0046 864 897 16

markazi.wpi@gmail.co

دفتر

مرکزی

حزب

مسئولیت مطالب با نویسندگان آنهاست. درج

## کارگران علیه جنگ و ...

از صفحه ۱

ایران و حتی مردم جهان يك فاجعه است. این واقعیت مهمتری است که پشت این کشاکش قرار دارد. ممکن است حمله نظامی از جانب ارتش آمریکا و متحدینش امروز و فردا شروع نشود و به احتمال زیاد نخواهد شد. اما این کشاکش آنچه‌آن لاینحل است و طرفین درگیر در آن نشان داده اند که آنچه‌آن نیروهای مرتجع، ضد انسانی، و بی ربط به مصالح مردمند که میتوانند در يك بزنگاه کار را به گریزناپذیری درگیری نظامی بکشانند. روال و روند این کشاکش دارد به این سمت می‌رود. يك واقعیت دیگر اینست که تا آنجا که به مردم مربوط میشود هم اکنون جنگ به درجاتی شروع شده است. فضای جنگی دارد مردم را مچاله میکند. ناامنی شرایط زندگی مردم و تهدید شعله‌ور شدن يك کشاکش نظامی يك واقعیت هرروزه است. تحریم‌ها که هرروز از روز پیش بیشتر میشود دارد بر زندگی فقیرانه و فلاکت بار مردم ایران فشاری سنگین وارد میکند. قیمت‌ها هرروز به بهانه جنگ دارد بالا می‌رود. گرانی اکنون در ایران سرسام‌آورتر از همیشه است. سران منفور حکومت اسلامی از خامنه‌ای گرفته تا چهره‌های منفورتر و شناخت شده‌ای امثال وزیرکشور حکومت اسلامی پورمحمدی کمپین "مصرف گریبی را کنار بگذارید" را علیه مردمی که چیزی ندارند که مصرف کنند را آغاز کرده اند. جریانات و سازمانهای بورژوازی و دست راستی مستقیماً دارند از تحریم اقتصادی که مستقیماً علیه مردم است دفاع میکنند. جنگی غیر رسمی علیه مردم از جانب حکومت آمریکا و حکومت اسلامی و متحدین و دنباله‌هایشان شروع شده است. این‌آن واقعیت ملموس و زنده‌ای است که نمیتوان از کنار آن گذشت.

## کارگران اولین قربانیان و قدرتمندترین دشمنان جنگ

در این میان مستقیم‌ترین قربانی این فضای جنگی کارگرانند. کارگران در ایران زیر شدیدترین تهاجم سرمایه داران قرار دارند. طبقه سرمایه دار ایران که بخش اصلی آثرا سران و آقازاده‌ها و ابواب جمعی حکومت تشکیل میدهند، کارگران را به شرایطی میان مرگ و زندگی قرار داده اند. دستمزدها بسیار پایین است و با گرانی فزاینده پائین تر می‌رود. با دستمزدهای موجود زندگی کردن و زنده ماندن هم غیر ممکن است چه رسد به رفاه و زندگی انسانی. کارگر باید علاوه بر کار طاقت فرسای طولانی در این و آن کارخانه و شرکت، ممر در آمد دیگری هم بیابد که بتواند کرایه‌های سنگین خانه‌ها و آلودگی‌های حقیرانه را بدهد. باید شغل دوم و سومی دست و پیدا کند که بتواند ابتدایی‌ترین مایحتاج زندگیش را تأمین کند. اما سرمایه داران مفت خور به‌مراه خیل دلان سرمایه داران و ایران با حمایت نیروهای سرکوب حکومتی به بهانه ورشکستگی اقتصادی طی سالهای اخیر همان دستمزد زیر خط فقر را هم از جیب چند میلیون کارگر بالا کشیده اند و یک سال و دو سال و چند ماه دستمزد کارگر را نمی‌پردازند. گرفتن همان دستمزدها نیز کابوسی برای کارگران است و باید با جنگ و دندان بچنگند تا آثرا نقد کنند. در کنار این این حکومت کارگران را از حق اعتصاب و حق مبارزه کردن و حق متشکل شدن رسماً محروم کرده است و

سیاستش اینست که کارگران کتف بسته زیر دست و پای صاحبان سرمایه مچاله شوند. کارگران در شرایطی قرار گرفته اند که برای زنده ماندن نیز باید بچنگند و دارند می‌چنگند. این را همه کارگران میدانند و همگان از آن خبر دارند.

## مبارزه فعال علیه جنگ و فضای جنگی

اینجا يك نکته مهم مطرح میشود و آن مبارزه فعال علیه جنگ و فضای جنگی است. ما باید به دلیل این فضای ناامنی و بمب و تحریم اقتصادی‌ای که بالای سرما قرار گرفته است در طرف این کشاکش را محکوم کنیم. اگر صدای اعتراض به جنگ و سیاست ساختن بمب اتمی و همه عوارض این کشاکش منحوس از جانب کارگران شنیده نشود، این جمهوری اسلامی است که به ما تعرض خواهد کرد. ما کارگران باید اعلام کنیم که ما با کسی سرچنگ نداریم. باید اعلام کنیم که ما علیه بمب اتمی هستیم. باید اعلام کنیم که علیه نظم نوین آمریکایی هستیم. باید بگوییم این جنگ و کشاکش مال ما نیست. پیروزی هیچ طرف آن پیروزی ما نیست.

این مهم است که صف متحد و میلیونی کارگران علیه جنگ باشد. اما فقط محکوم کردن جنگ کافی نیست. جمهوری اسلامی میتواند در سوراخ محکومیت جنگ نیز خود را جا دهد و همه چیز را به قلدری حکومت آمریکا مربوط کند. طرف مقابل هم عکس آثرا تبلیغ میکنند. همانگونه که اشاره شد و همه میدانیم این جنگ و کشاکش در ظاهر دوطرف دارد. اما ما کارگران و مردم میتوانیم و باید به عنوان جبهه سوم به عنوان طرفی که این کشاکش تماماً بر سر سرنوشت و زندگی امروز و آینده اوست فعالانه وارد این کارزار شویم. میتوانیم علیه هر دوسوی این کشاکش وارد شویم و پایمان را وسط در بگذاریم و بگوییم

ما قربانیان ساکت و بی دفاع کشاکش شما نخواهیم شد. هر دوسوی این کشاکش از نظر کارگران محکومند. هر دوسوی این جنگ باید به شکست کشاننده شوند. هر دوسوی این کشاکش باید از صحنه سیاست بین‌المللی به زیر کشیده شوند. اما روشن است که ما نمیتوانیم حکومت و طبقه حاکم آمریکا را به زیر بکشیم. اما کلید شکست سیاست جنگ طلبی هر دو طرف در ایران را در دست داریم. و این مهم است که این جنبه از مساله را بدانیم و باور داشته باشیم و در جهت آن عمل کنیم. ما میتوانیم جمهوری اسلامی را که دشمن مستقیم و رودرری ماست به زانو در آوریم. جنبش فعال و گسترده و رادیکال سرنگونی طلبی‌ای که در ایران علیه جمهوری اسلامی وجود دارد، در عین حال جنبشی علیه سیاست نظم نوینی آمریکا و متحدینش است. این جنبش میتواند با گسترش خود نیرویی صدها میلیونی را در سطح جهان علیه هر دوسوی این کشاکش و در حمایت از خواستهای حق طلبانه و انسانی ما بسیج کند. میتواند تمام بهانه‌های نظم نوینی را خنثی کند. این کلید شکست هر دوسوی این کشاکش است. این عاملی است که میتواند ما کارگران و کل جامعه را نه فقط در شرایط امروز و فضای قبل از جنگ بلکه حتی در صورت وقوع حمله نظامی در برابر طرفین ارتجاع سرمایه داری از قربانی شدن مصون دارد. این را باید باور داشت. با داشتن این تصویر است که کارگران میتوانند و فی الواقع قادرند کاری کنند که ماشین جنگی نظم نوینی را زمین گیر کنند و در عین حال حکومت اسلامی را تا سرحد مرگ عقب برانند. با حرکت گسترده سرنگونی طلبی و آزادیخواهی است که میتوان این کلاف سردرگم را باز کرد و در عین حال هیچکدام از دوطرف ارتجاعی پیروز بیرون

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

## کارگران علیه جنگ و ...

از صفحه ۳

نیابند. این تنها راه حل بحران و کشاکش موجود است. با حرکت در این جهت و با داشتن این تصویر است که کارگران میتوانند تلاش جمهوری اسلامی برای عقب راندن مبارزاتشان را به شکست بکشاند و حتی دست به تعرضی گسترده تر علیه حکومت و کارفرمایان بزنند. با داشتن این تصویر است که کارگران میتوانند مانع این شوند که یک بار دیگر زندگی و مبارزه و آینده شان قربانی مصالح دشمنان طبقاتی شان شود. اینکه امروز در این کارخانه و در آن شرکت و در این مبارزه و آن اعتراض چگونه با چماق جنگی جمهوری اسلامی و کارفرمایان مقابله میکنیم بستگی به کل توازن قوا میان ما و کارفرمایان و دولت اسلامی دارد و هر فعال کارگری ای بخوبی میداند چه بگوید و حرفش را چگونه به کرسی بنشاند و کارگران را چگونه به حرکت درآورد. به همین دلیل این بسیار مهم است که فعالین و رهبران کارگری کل تصویر را داشته باشند و تلاش کنند فعالانه این تصویر را به توده کارگران بدهند و خطرات را نشان دهند.

است که میتواند کل فضای جامعه را به فضایی رادیکال علیه جمهوری اسلامی و کل طبقه حاکم تبدیل کند. کارگران باید با صدای رسا اعلام کنند که علیه دوطرف این کشاکش هستند. باید اعلام کنند که به دلیل گسترش فضای جنگی نه فقط به جمهوری اسلامی و صاحبان سرمایه بدهی ای ندارند بلکه آنها را عامل مستقیم این وضعیتی میدانند که قرار است زندگی آنها را به جهمی غیرقابل تحمل تر تبدیل کند. از هیچ حقی، از هیچ مطالبه ای، از هیچ خواستی نباید کوتاه آمد. برعکس باید بیش از پیش تعرض کرد.

یک نکته مهم دیگر اینست که صدای اعتراض به طرفین این کشاکش باید مستقیماً از جانب کارگران بلند شود. باید در هر مبارزه و اعتراضی یک حرف ما این باشد که به این کشاکش خاتمه دهید. باید اعلام کنیم که ما علیه سیاست تولید بمب اتمی هستیم. باید اعلام کنیم که ما علیه سیاست جنگ طلبی و بحران سازی جمهوری اسلامی که کابوس جنگ را بالای سر ما قرار داده هستیم. باید اعلام کنیم که ما علیه سیاست نظامی گری آمریکا و متحدینش هستیم. این صدا باید بطور رسا بگوش برسد. این مهم است که کارگران رسماً و علناً به عنوان دشمنان جنگ و بمب اتمی و لشکرکشی نظامی و تحریمهای اقتصادی قد علم کنند و کل جامعه را در این جهت به حرکت درآورند. مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برای دست یابی به جامعه ای آزاد و مرفه و انسانی، مستقیماً مبارزه ای علیه جنگ و نظم نوین آمریکا و هر نیروی مرتجع و سرکوبگر دیگری است. مردمی که با این چشم انداز پا به میدان گذارده اند قدرتمندترین زرادخانه ها را نیز زمین گیر خواهند کرد. در این زمینه بیشتر سخن خواهیم گفت.

## اعتصاب ...

از صفحه ۱

تحت الشعاع آن قرار میگیرد. کارگرانی که اعتصاب را سازمان میدهند میدانند که احتمال بازداشت و دستگیری آنها وجود دارد و بنابراین از قبل، قبل از اینکه اعتصاب شروع شود و یا کسی احضار و دستگیر شود، باید بعنوان مهمترین مساله یک اعتصاب به فکر چاره جوئی و بسیج توده کارگران برای مقابله با آن باشند. این مهمترین مساله اعتصاب است چرا که هدف از دستگیری رهبران اعتصاب، مرعوب کردن همه کارگران، محافظه کار کردن آنها، در هم شکستن اعتصاب و عقب راندن کارگران است. هدفشان این است که کارگر احساس شکست کند نه پیروزی. هدفشان به تسلیم کشاندن و شکستن روحیه اعتراض است. هدفشان این است که به کارگران درس بدهند که در آینده هم به فکر اعتصاب نیفتند و به همین شرایط تن بدهند. به رهبران درس بدهند که دیگر اعتصابی را رهبری نکنند. به کارگران جوان و مبارزی که قرار است به رهبران آتی تبدیل شوند، مشکلات و دردهای آنها گوشزد کنند! اما میتوان دستگیری فعالین کارگری را به یک شکست برای دولت و کارفرما و یک پیروزی برای کارگران تبدیل کرد. بسیار اتفاق می افتد که بعد از یک اعتصاب پیروزمند تعدادی را دستگیر میکنند. میدانند که روحیه کارگران بالا است و برای اینکه این روحیه را در هم بشکنند و به اصطلاح "روی کارگران را کم کنند"، عده ای را میگیرند تا مرعوب کنند. در مقابل اعتصابی که به پیروزی نرسیده نیز بسیار امکان دارد که عده ای را دستگیر کنند تا جلو اعتصاب مجدد را بگیرند و کارگران برای مدتی طولانی کارگران کم راست نکنند. در مقابل همه اینها عکس العمل سریع لازم است.

کارگران میتوانند تاکتیک دستگیری و احضار را به ضد خود تبدیل کنند. به تحکیم اتحاد خود و جلب توجه وسیعتر جامعه، تبدیل کنند. کارگران باید اعلام کنند که تا همکاری همکارانمان به میان ما برنگشته اند، تولید در کار نخواهد بود و اعتصاب ادامه خواهد یافت. همراه با اعتصاب تجمع اعتراضی در مقابل ادارات دولتی و زندان نیز باید در دستور قرار گیرد. حکومت از این وحشت دارد و اگر پافشاری و اتحاد کارگران را ببیند عقب مینشیند. همسران کارگران دستگیر شده و خانواده های آنها باید به میدان بیایند، مردم شهر را باید خبر کرد و کمک خواست، کارگران سایر مراکز کارگری و دانشجویان را به کمک طلبید، به سازمانهای کارگری در سطح جهان نامه داد و حمایت خواست. کارگران میتوانند همه این اقدامات را همزمان شروع کنند. خود را سازمان دهند، در میان خود تقسیم کار کنند و کارهای مختلف را شروع کنند.

احضار و دستگیری را باید بلافاصله به اطلاع عموم رساند:

کارگر اعتصابی جرمی نکرده است که دستگیر شود، قتل نکرده است، حق خود و همکارانش را خواسته است. در مقابل رفقای خود احساس مسئولیت کرده، خطر را به دوش گرفته و در سازماندهی اعتصاب کمک کرده است. اینرا همه میدانند، هرکس اعم از کارگران آن کارخانه یا آن شهر، اعم از در و همسایه و دوست و آشنا، خیر را بشنود نیازی به توضیح ندارد. میداند که عده ای جلو افتاده اند تا حق کارگران را بگیرند و به اسارت کارگران حق میدهند و رژیم را محکوم میکنند. بنابراین مهم است که خبر سرعت در شهر بپیچد، نه تنها در کارخانه که در سراسر کشور به همه خبر داده شود. وزارت اطلاعات و سران رژیم مثل دزد میترسند. کارشان را باید در تاریکی و بی اطلاعی مردم انجام دهند. همین که خبر به گوش همه برسد و دزدها را ببینند دزدها مجبور به فرار میشوند و کارگر زندانی را آزاد میکنند. توضیحی برای جامعه ندارند. نه مدیر عامل، نه وزارت اطلاعات، نه امام جمعه و نه هیچ مقام رژیم جرات نمیکند در رسانه ای آفتابی شود و از کار خود دفاع کند. جرات نمیکند بگوید کارگر اعتصابی را گرفته اند. میبینند همه جا، بویژه در برخی رسانه ها دارد علیه شان تبلیغ میشود و آنها توان دفاع از کار خود را ندارند. مجبور میشوند عقب بنشینند. و این کارگران را قوی تر میکنند. دستگیری فعالین کارگری در سایر نقاط هم دشوارتر میشود. اگر بازداشت طولانی شود باید در سطح وسیعتری از جمله در سطح بین المللی نیز دست به اقدام بزنیم و سازمان های کارگری دنیا را هم مطلع کنیم.

در مقابل احضار فعالین کارگری چه باید کرد؟

بعضی اوقات اطلاعات بجای



## اعتصاب ...

از صفحه ۴

مردم مطلع شوند وزارت اطلاعات دست به عصاتر حرکت میکند.

کارگران دستگیر شده را با اسم و رسم معرفی کنید:

کارگران دستگیر شده را باید فوراً با اسم و رسم کامل و با عکس آنها به اطلاع عموم رساند. باید کاری کرد که اسم و عکس آنها در ذهن همه مردم شهر و کشور بماند. بسرعت تلاش کرد آنها را به چهره های مشهوری تبدیل کرد. یک روحیه محافظه کار و سستی وجود دارد که کارگران را از اینکار منع میکند. اینطور استدلال میشود که جمهوری اسلامی با اینکار شدت عمل بیشتری نشان میدهد و امنیت رهبران اعتصاب بیشتر به خطر میافتد. این استدلال مطلقاً اشتباه است. این یک خط فکری معین در برخی سازمانهای سیاسی است و در برخی فعالین کارگری نیز دیده میشود. این گرایش به ضرر کارگران است و باید مورد نقد قرار گیرد و برای همیشه کنار گذاشته شود. خوشبختانه در سالهای اخیر این گرایش بشدت ضعیف شده است. چند تجربه موفق درس بزرگی برای کارگران شده است. اگر اسم و رسم فعالین اول مه سقز به دنیا اعلام نمیشد، این درجه از حمایت صورت نمیگرفت و فعالین کارگری در انزوا و بی اطلاعی مردم و سازمانهای کارگری تحت فشار بیشتری قرار میگرفتند. اینجا یک نکته مهم و طبقاتی مطرح است و آن اینکه معلوم نیست چرا فعالین جنبش های دیگر، از جریانانات دو خردادی و ناسیونالیست و غیره باید بلافاصله در داخل کشور و در سطح بین المللی مطرح شوند اما کارگر منزوی و گمنام بماند. این تفکر را طبقات دیگر به ما حفته کرده اند. در این مورد در بخش های بعد مفصل صحبت خواهیم کرد. هیچ استدلالی نباید فعالین کارگری را در این زمینه مردد کند. اسم و رسم و عکس رهبران اعتصاب باید روی هر در و دیواری باشد. این به نفوذ و محبوبیت

آنها و موقعیت آنها کمک میکند و اتفاقاً تهدید و دستگیری آنها را بسیار مشکل میکند. قطعاً این بدان معنی نیست که اگر رهبران و فعالین کارگری شناخته شده باشند دیگر خطر از سر آنها رفع میشود. خطر همیشه هست، برای هرکس که دست به اعتراض میزند هست. تا جمهوری اسلامی سر کار است، زندگی و مبارزه برای مردم زحمتکش خطرناک است. مساله این است که اولاً هرچه رهبران کارگری شناخته شده تر باشند، خطر دستگیری آنها کمتر میشود و ثانیاً در صورت دستگیری کارگر سرشناس، بیشتر مورد حمایت جامعه، طبقه کارگر و سازمانهای کارگری و نهادهای مدافع حقوق انسان در سطح بین المللی قرار میگیرد و حکومت نسبت به او دست به عصاتر حرکت میکند و برای آزدایش تحت فشار بیشتری قرار میگیرد تا کارگر ناشناس. حکومت نمیخواهد هیچ کارگر فعالی سرشناس شود. میداند که اینکار اهرم بزرگی برای متشکل شدن و متحد شدن کارگران میشود، به طبقه کارگر و مبارزاتش هویت بیشتری میدهد، جایگاه و حرمت کارگر را در جامعه بالا میبرد و سرکوش و بی حقوقی اش دشوارتر میشود. سطح توقعش بالا میرود و کارفرما و دولت اینرا نمیخواهند. بنابراین باید از هر فرصتی و هر جا ممکن و عملی است، مثلاً موقع دستگیری فعالین اعتصاب، استفاده کرد و کارگران را به چهره های شناخته شده تبدیل کرد. طبقه کارگر باید صدها و هزاران رهبر شناخته شده در سطح کشور و در سطح بین المللی داشته باشد. این یک موضوع حیاتی برای رهایی طبقه کارگر و قرار گرفتن در موقعیت رهبری جامعه است. همانطور که گفته شد در این زمینه بعداً مفصل تر بحث خواهیم کرد و جنبه های مختلف آنرا بررسی خواهیم کرد.

پس از آزادی:

آزادی کارگران را باید به تجمع و جشن تبدیل کرد، از آنها با حلقه های گل استقبال کرد و اینرا به یک پیروزی

دیگر و به اتحاد محکم تر تبدیل کرد و آنرا بعنوان یک اتفاق مهم و بعنوان یک پیروزی طی اطلاعیه ای به اطلاع افکار عمومی رساند. آزادی رهبران اسیر شده یعنی یک موفقیت برای کارگران و یک شکست برای کارفرما و دولت و وزارت اطلاعات. به همین دلیل باید به عنوان یک واقعه مهم به آن برخورد کرد. اگر روشن است که کارگر زندانی کی آزاد میشود باید به مقابل زندان رفت و از همانجا با بوق زدن و چراغ های روشن کارگر آزاد شده را بدرقه کرد. و بدینطریق همه شهر را مطلع کرد.

پرونده سازی و وثیقه گرفتن ممنوع:

و بالاخره یک نکته مهم این است که وزارت اطلاعات و رژیم در اکثر اوقات در طول اعتصاب مجبور میشوند کارگران زندانی را آزاد کنند اما پرونده درست میکنند تا آنها که از آسیاب افتاد آنها بروند. در این مواقع معمولاً کارگر زندانی را با وثیقه سنگین آزاد میکنند. یک رده از فعالین کارگری را به همین شیوه دستگیر و آزاد میکنند و عملاً دست و پای آنها را برای تداوم فعالیت می بندند و کارگران را از تعدادی از رهبران خود در عمل محروم میکنند. گردن نهادن به این مساله مقدمه تحمیل عقب نشینی های بیشتر به کارگران است. نمونه این مساله را در جریان اعتصاب شرکت واحد میتوان دید. برای تعدادی از فعالین اعتصاب واحد پرونده درست کردند و با وثیقه آزادشان کردند و سپس آنها را از دادگاه به آن دادگاه کشاندند و از تحرک انداختند. رژیم همین تاکتیک را در مقابل معلمان اعتصابی بکار گرفت. تنها راه، تلاش برای آزادی بی قید و شرط و بدون وثیقه فعالین اعتصاب است. و این بدون اخطار به اعتصاب و در صورت لزوم دست زدن به اعتصاب ممکن نیست. خواست آزادی بی قید و شرط کارگران دستگیر شده را باید در عمل و با اعتصاب به دولت تحمیل کرد. این تنها راه نیفتادن در محاصره خطرناکی است که رژیم به قصد فلج

کردن کارگران و مانع تراشی برای اعتصابات بعدی آنها بکار میبرد. و تا کارگران بتوانند جای خالی رهبران خود را پر کنند ممکن است زمان درازی طول بکشد. تنها راه در مقابل این توطئه های کثیف این است که در حین اعتصاب که کارگران در موضع قدرتمندتری هستند تضمین و تعهد بخواهند که هیچ پرونده ای درست نشود، زیر بار هیچ وثیقه ای نروند و دولت را وادار کنند که کارگران بازداشتی را بی قید و شرط آزاد کند و بعداً نیز در صورت احضار منتظر روال قانونی و غیره نشوند. بلافاصله جمع شوند و تصمیم بگیرند. اینجا است که نقش و اهمیت مجمع عمومی منظم خود را نشان میدهد. تحمیل مجمع عمومی منظم به کارفرما و دولت یکی از مبرم ترین حیاتی ترین اقداماتی است که برای مقابله با همه توطئه ها و اجحافات باید در دستور فوری طبقه کارگر قرار گیرد.

همان اندازه که دست زدن به اعتصاب برای حقوق معوقه و سایر مطالبات ضروری است، به همان اندازه و حتی بیشتر دست زدن به اعتصاب و تجمعات اعتراضی برای آزادی بی قید و شرط همکاران دستگیر شده ضروری است. اگر با این تاکتیک در طول اعتصاب که کارگران در موضع قدرتمندی هستند مقابله نشود، رژیم با خیال راحت کارش را یواش یواش میکند. بعد که نگاه میکنی میبینی برای ده نفر از فعالین یک کارخانه پرونده درست کرده، ضمانت های سنگین بریده، مرتب به دادگاه میکشاند، بعضاً از کار هم اخراجشان میکنند و عملاً آنها را از صف رهبری کارگران خارج میکنند و تا کارگران جای آنها را پر کنند ممکن است زمان درازی طول بکشد. تنها راه مقابله با این تاکتیک اتکا به نیروی جمعی و متحد کارگران است، تجمع و اعتصاب است. افتادن به مجاری قانونی و وثیقه گذاشتن و از این اداره به آن اداره رفتن مقدمه باختن دست به طرف مقابل است. رفقایمان را باید بی قید و شرط آزاد کنیم. \*

## کارگران هفت تپه و مساله نوع تشکل

یاشار سهندی از ایران

اعتصاب و مبارزه کارگران هفت تپه از جوانب گوناگون قابل تعمق و بررسی است و درسهای فراوانی برای ما کارگران دارد. مهمترین جنبه آن نفس همین واقعیت است که این مبارزه شکل گرفته و تا کنون پیروزمانده به پیش رفته است. لازم به یاد اوری است که دولت اسلامی سرمایه شمشیر اسلام را از نیام برکشید و به نیابت از امام زمان در کف احمدی نژاد فاشیست نهاد تا دمدا از روزگار مردم در بیاورد تا مجددا ثابت کند پاسخ اسلام به شکم های گرسنه، شلاق و طناب دار است. اما اعتصاب کارگران هفت تپه پایانی بود بر یک دوره کشتار که مجدد سازمان داده بودند. پایانی بود بر یک دوره سرکوب و محکوم کردن کارگران به گرسنگی بیشتر. در این میان مثل همیشه اما دیگری هستند که ظاهرا آتش آنها تندتر است و این مبارزات کارگران که حول درخواست پرداخت حقوق عقب مانده در جریان است را "تدافعی" و "در نازل ترین سطح اعتراض" میدانند؛ و مثلا برای ارتقا سطح مبارزه طبقاتی رهنمود هایی دارند مثل جملات زیر؛ خب در این جملات تعمق کنید اگر چیزی دستگیرتان شد دیگران را هم خبر کنید! ایشان میفرمایند: "اما حتی خواست پرداخت دستمزد معوقه توده های کارگر ایران می تواند به نوعی و بر سینه کش روندی طرح گردد که ضد سرمایه داری باشد. این یک مساله بسیار جدی است. مطالبات پایه ای ضد سرمایه داری یک مانیفست طبقاتی است. از درون آناتومی مارکسی عینیت حاضر جامعه یا جهان معین کاپیتالیستی بیرون می آید، کل تار و پود پروسه کار جامعه موجود و همه دار و ندار محصول اجتماعی تولید شده توسط کل توده های کارگر را خواه به صورت کالا و

خواه در شکل آنچه نام «خدمات»!! یافته است یکجا در پیش روی کارگران پهن می کند، کالبدشکافی رابطه خرید و فروش نیروی کار را به صورت کنکرت و در سیمای شرائط کار و زندگی و استثمار و بی حقوقی کارگران در عمق سلول های ذهن و اندیشه آنان کشت می نماید، تا در این گذر هستی اجتماعی بالفعل توده های کارگر را به هستی آگاهتر، بصیرتر و هشیاتر طبقاتی علیه سرمایه ارتقاء دهد و آنگاه متناسب با آرایش قوای طبقاتی روز، مطالبات فوری طبقه را سنگر نبرد جاری قرار می دهد." (ناصر پایدار)

و از سوی برخی دیگر نیز این مبارزات "نازترین" معرفی میشود بر این اساس که اینها هنوز خواستهای صنفی و تدافعی است. در عین حال که خود را "فعالین راستین و صدیق جنبش کارگری" مینامند و گویا از ایشان دلسوز تر وجود ندارد. در نقش یک معلم ظاهر شده و فروتنانه به کارگران هشدار میدهند که مواظب باشند به هر راهی نروند؛ خب در حرفهای دیگران و حتی ایشان تعمق کنید، میادا که خواسته هایی را دنبال کنند که با جنبش کارگری همخوانی ندارد! ایشان همین یکی دو هفته پیش دریافته اند که اقدام کارگران در جهت جلب پیشتیبانی جهانی کارگران یک اقدام پیشرو و ضروری است هر چند هنوز که خود درمانده اند که چطور جمهوری اسلامی که بنا به تعریف یک بخش از سرمایه است با سرمایه جهانی دست به یقه میشود و خود ایشان باید چه موضعی بگیرند. برای نمونه این جملات را بخوانید و ببینید چی دستگیرتان میشود: "جدال بین ایران و غرب به طور کلی و با آمریکا به ویژه حاصل مجموعه ای از غامض ترین و پیچیده ترین تضادهاست که حل هیچ کدام از آنها به تنهایی هنوز به معنای پایان این جدال نیست. جدال بین ایران و غرب جدالی است بر

سر جغرافیای سیاسی منطقه خاورمیانه و نقش و نقشه ی آتی هریک از بازیگران منطقه ای و جهانی در آن. برای طبقه کارگر ایران این وضعیتی است پیچیده. طبقه کارگر از یک سو با رژیم و طبقه ای درگیر است که به مثابه ی سازمان دهنده ی یکی از هارترین اشکال بردگی مزدی، همه و هرگونه مؤلفی اجتماعی تاریخی در تعیین سطح مزد و معاش کارگران را حذف کرده و اکثریت سنگینی از مزدبگیران را در معرض نابودی فیزیکی قرار داده است؛ و از طرف دیگر در سطح جهانی همین رژیم - در جدالی درون طبقاتی، مقابل آن هایی به صفا آرایی پرداخته است که مبلغین و مدافعان همان نظام جهانی بردگی مزدی را تشکیل می دهند" (بیانیه شفیق و دیگر دوستانش) این گپیج سری طبقه کارگر نیست این آشفته فکری "چپ های صدیق" است.

در این میان اتفاق دیگری نیز افتاده که دل یک دسته از "فعالین راستین جنبش کارگری" را شاد کرده و خاطر برخی را مکرر ساخته. یک عده چون شیدند که کارگران هفت تپه به دنبال تشکیل سندیکا هستند از شادی دست و پایشان را گم کردند که: دیدید، ما گفتیم سندیکا اول و آخر تشکیلات کارگران است و به پیشوازش برویم و عده ای دیگر برآشفته شده و میگویند: "ناله های شوم و ناموزون سندیکا" بلند شده است. در دل مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه و برای اینکه دستاوردهای این مبارزه بهدر نرود و خود مبارزه تداوم داشته باشد کارگران نیشکر هفت تپه بدرستی بر این انگشت گذاشتند که باید تشکل داشت که نه فقط زمان اعتصاب که در هر زمانی حی و حاضر باشد و توده کارگران به آن دسترسی داشته باشند. یکی از خواستهای کارگران هفت تپه تشکیل سندیکا است که تا کنون توانسته اند دو هزار امضا برای تشکیل آن جمع کنند. کارگران نیشکر هفت تپه تا اینجای کار بسیار موفق عمل کرده اند و

متحد مانده اند که حتی توانسته اند نماینده خود را از چنگال دژخیمان گمنام امام زمان برهانند. و برای تداوم این اتحاد اعلام کردند که هر پنجشنبه جلسه خواهند داشت و تصمیم خواهند گرفت که چه خواهند کرد. نام سندیکا اما، کافی بود تا کسانی تشویریهای ورشکسته خود را دوباره به میان کشند و در وصف سندیکا مرتبه بسرایند، و کسانی از جهت دیگر که تمام نظر پردازیشان با عنوان پرطمطراق "لغو کارمزدی" سازمان داده بودند بر باد رفته میسینند. به هر چه که نام سندیکا دارد لعن و نفرین میکنند و "برای رهایی جنبش کارگری ایران از شراره حلهای سندیکالیستی و سندیکابافانه" به تخطئه مبارزات کارگران میپردازند. تحت این عنوان که این "نازل ترین سطح اعتراض" است. این هر دو به یکسان به شوراها و مجمع عمومی حمله میکنند. یکی (بهمن شفیق) میفرماید: دیدیم که شوراها "وشاورهم فی الامر و امرهم شوری بیبهم تبدیل شد" و دیگری (ناصر پایدار) شورا را نام دیگر سندیکا میخواند، این هر دو جریان به یکسان دست به کار تخطئه مبارزات کارگران نشسته اند. این دو طیف به یکسان از تشکل کارگران در یک حزب سیاسی متفرند و در زمان ما هر دو به یکسان بدون آنکه نامی از حزب کمونیست کارگری ببرند در لفافه، شدیدترین حملات را بر علیه این حزب بیان میدارند.

مجمع عمومی و شوراها از سوی این حزب تبلیغ میشود و بر ضرورت آن تاکید میشود و این حزب با امکاناتی رسانه ای که توانسته است با هزار خون دل خوردن فراهم کند نقش بسزایی در سازماندهی مبارزات کارگران داشته است و به خصوص مبارزات اخیر کارگران نیشکر هفت تپه. این حزب از ابتدا بیان کرده است از هر دو خشتی که کارگران به روی هم نهند دفاع خواهد کرد و عملا اینکار را کرده است و تمام امکانات خود را بسیج کرده است تا بتواند برای

تشکیلات کارگری که شکل میگیرند حمایت بین المللی را جلب کند ( چیزی که برخی تازه دارند بحث میکنند خوب است یا بد است و عنوان صدیق هم به خودشان هم میدهند و برخی دیگر اصلا در حمایت از هم طبقه هایشان قدم از قدم برنمیدارند و مدعی اند اساس سرمایه داری را نشانه گرفته اند!). نفوذ رو به گسترش این حزب در میان کارگران همه این فعالین دروغین کارگری را به دست و پا انداخته است برای همین تا یکدسته شان نام سندیکا را میشوند از خوشحالی غش میکنند و دور شورا را خط میکشد؛ و دیگری بر هر چه تشکیلات کارگری است خط بطلان میکشد. در هر یک کلامشان مدام یادآور میشوند: طبقه کارگر ضعیف است هنوز نتوانسته سربلند کند و هر اقدام کارگری را میگویند خوب است اما کو، تا یک تحول اساسی واقع شود! کارگر میخواهد مبارزه خودش را تا به آخر دنبال کند یکی نهیب میزند مبادا سیاسی شوید همین که بر سیاسی نبودن کار سندیکا تاکید کنید یعنی مخالفت سیاسی با دولت و همین کافی است! امروز دیگر بر هر کسی که حسن نیت داشته باشد معلوم شده است که گریز سندیکائیان از "سیاست" بیش از هر چیز نشانه مقاومت آنان در مقابل سیاست حاکم و تن ندادن به انقیاد نظامی بوده است که حتی حریم خصوصی انسانها را ملک طلق سیاسی خود به حساب می آورد. دقیقا همین تن ندادن به انقیاد است که امروز احترام به سندیکا را در هر انسان شرافتمند - و در عین حال عاقلی - برانگیخته است. (بهمن شفیق) یعنی اینکه اگر کارگری یا تشکیلاتی بگوید که کار سیاسی میکنم تن به "انقیاد نظام" حاکم داده است!

و از آن سوی مثلا میخواهند اساس مثلا نظام سرمایه داری را هدف قرار دهند، اما چگونه؟ خودشان هم درمانده اند؛ از سویی مبارزه روزمره

## احکام زندان برای اسانلو و مددی را با اعتراض سراسری پاسخ دهیم

جمهوری اسلامی در آخرین تلاش خود برای مقابله با اعتراضات کارگری، روز یکشنبه ۶ آبان منصور اسانلو را به ۵ سال زندان و ابراهیم مددی را به دو سال زندان محکوم کرد. این دو رهبر سندیکای شرکت واحد به جرم دفاع از خواستههای بحق کارگران شرکت واحد محکوم به زندان های طولی مدت شده اند.

این احکام تعرضی به همه کارگران ایران است و باید از جانب همه کارگران پاسخی قاطع بگیرد. جمهوری اسلامی باید بداند که کارگران از حقوق پایه ای و انسانی و بحق خود به هیچ وجه کوتاه نمی آیند. احکام زندان برای اسانلو و مددی تلاش جمهوری اسلامی برای عقب راندن جنبش کارگری گسترده ای است که در تمام محیط های کارگری در حال فوران و گسترش است. کارگران در ایران زیر شدیدترین تعرض صاحبان سرمایه و حکومت اسلامی شان قرار دارند. دستمزدهای زیر خط فقر و عدم پرداخت به موقع دستمزدها، محرومیت از حق تشکل و اعتصاب، و محرومیت از ابتدایی ترین تأمینات اجتماعی، کارگران و خانواده های حکومت بحران زده سرمایه داران

کارگری را به شرایطی غیرقابل تحمل رانده است. این شرایط را کارگران نپذیرفته اند و بهیچوجه نخواهند پذیرفت. این جنبش اعتراضی گسترده کارگرنی را که نمیخواهند به توحش سرمایه داران و حکومتشان تمسکین کنند، نمیتوان با دستگیری و زندانی کردن فعالین و رهبران کارگری عقب راند. کارگران عزم کرده اند که از زندگی و حرمت و حقوق پایه ای خود با مبارزه و اعتصاب و اعتراض دفاع کنند. جمهوری اسلامی از این جنبش است که به هراس افتاده و میخواهد با به بند کشیدن چهره های شناخته شده کارگری، جنبش کارگری را عقب براند. کارگران! مردم شریف ایران!

تجربه مبارزات ما بارها نشان داده است که این حکومت را با حرکت متحدانه میتوان عقب راند. دستاوردهای مبارزه متحدانه چهار هزار کارگر نیشکر هفت تپه يك نمونه زنده در جلوی چشم ماست. به این احکام متحدانه اعتراض کنید! میتوانیم با عزم و اتحاد خود این تعرض حکومت را به شکستی فراموش نشدنی و مرگبار برای حکومت بحران زده سرمایه داران

دامن زده میشود، را محکوم میکنیم و از همه میخواهیم چنین سیاستهای را محکوم کنند. جنگ سیاستی است که همیشه برای ایجاد شرایط سرکوب و از طرف دولتها بر علیه ما کارگران بکار گرفته میشود. بشر متمدن هیچگونه نفعی در جنگ ندارد. ۴/۸/۸۶

ما خواهان کاهش کشمکش سیاسی بین المللی برای جلوگیری از هرگونه جنگ احتمالی بین جمهوری اسلامی و غرب و سرمایه داری جهانی برهبری آمریکا هستیم و سیاست زمینه سازی برای ایجاد فضای جنگی و نظامی، که از هر دو طرف مناقشه،

آدرس تماس و مشخصات فنی کانال جدید به این شرح است: تلفن تماس:

ماهواره هات برد	۸
فرکانس	۱۲۳۰۳ مگاهرتز
سیمبل ریت	۲۷۵۰۰
اف ای سی	۳/۴
پلاریزاسیون عمودی	(Vertical)
سایت کانال جدید:	

<http://www.newchannel.tv>

[kanaljadid@yahoo.com](mailto:kanaljadid@yahoo.com)

[tv.anternasional@yahoo.com](mailto:tv.anternasional@yahoo.com)

آدرس تماس:



### محمود صالحی از فروردین تا کنون در زندان به سر میبرد

بنا به گزارشات رسیده هم اکنون محمود صالحی در وضعیت جسمی بدی بسر میبرد. محمود صالحی بر اثر نارسائی کلیوی فشار خون وی بالا رفته و همین مساله بر روی قلب وی نیز تاثیر گذاشته است. از همین رو روز دوشنبه ۳۰ مهر ماه زندانبانان با دیدن وضعیت نابسامان محمود صالحی، وی را به بیمارستان انتقال دادند. محمود صالحی توسط پزشک متخصص قلب معاینه شده و گزارش حاکیست که بیماری کلیوی وی، به دلیل عدم درمان باعث بروز عارضه قلبی شده و باید سریعاً معالجه شود.

### ۵ ماه از دستگیری منصور اسانلو میگذرد

منصور اسانلو رئیس هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه که در تاریخ ۱۳۸۶/۴/۱۹ هنگام مراجعه به منزل دستگیر و به زندان اوین منتقل شد. وی

دلیل ناراحتی حد چشم چپ روز شنبه ۲۷ مهر از زندان اوین به بیمارستان منتقل و تحت عمل جراحی قرار گرفت. منصور اسانلو همچنان در زندان بسر میبرد.

### ابراهیم مددی از ۱۸ مرداد در زندان است

ابراهیم مددی نایب رئیس سندیکای کارگران شرکت واحد از تاریخ ۱۸ مرداد (۹ اوت) روز جهانی برای آزادی منصور اسانلو و محمود صالحی، در زندان بسر میبرد. در تاریخ ۲۴ مهر او از زندان اوین به زندان قزل حصار منتقل شد.

### نامه کمیته همبستگی ...

۱- از صفحه ۱  
۲- پایان دادن به دستگیری کارگران و لغو هر نوع پرونده علیه آنها  
۳- حق تشکیل مجمع عمومی هفتگی در روزهای پنجشنبه از ساعت ۱ تا ۲ بعدازظهر  
۴- حق تشکیل سندیکا

موفق شدند دستمزدهای معوقه را دریافت کنند. اکنون رژیم تلاش میکند با دستگیری فعالین و پرونده سازی برای آنها، رهبران شان را فلج کند، کارگران را مرعوب کند و مانع دستیابی کارگران به تشکل خود شود. کارگران نیشکر هفت تپه تابحال مصمم و متحد در مقابل این توطئه ها ایستاده اند. اما با گسترش فشارهای وزارت اطلاعات به يك حمایت وسیع بین المللی نیاز دارند. کمیته همبستگی بین المللی کارگری از همه سازمانها و اتحادیه های کارگری در خواست میکند که جمهوری اسلامی را بخاطر اقدامات ضدکارگری محکوم کنند و از خواستههای کارگران هفت تپه حمایت کنند. چند خواست فوری و مهم کارگران به این شرح است:

۱- آزادی فوری و بی قید و شرط قربان علیپور و محمد حیدری مصر  
المللی کارگری (WPI)  
شهلا دانشفر

## صفحه اخبار بین المللی کارگری

### گوشه ای از مبارزات کارگران معادن ذغال سنگ در آمریکا سالهای (۱۹۶۴ - ۱۹۸۰)

نوشته: پاول جی. نایدن (نشریه  
مانتلی ریویو)

ترجمه و تلخیص: نادر احمدی

در ویرجینیای غربی هیچوقت صلح حاکم نیست زیرا در آنجا هیچوقت عدالت حاکم نیست. محدودیت های قانونی و کاربرد اسلحه مانند مرفین فقط برای مدتی کوتاه دردها را تسکین می دهد اما مدت کوتاهی بعد از آن دوباره درد و عذاب آغاز می شود. در آنجا امسال و هر سال کارگران خود را برای مبارزه و اعتصاب آماده میکنند. آری چنین است در ویرجینیای غربی. (مادر جونز)

عصیان کارگران در معادن ذغال سنگ از پیتسبورگ تا منطقه رودخانه اهایو زمانی شروع شد که در سال ۱۹۶۴ در انتخابات درونی اتحادیه کارگری «اتحادیه کارگران معادن»، کارگران، اعتبار رهبری این اتحادیه را به زیر علامت سؤال بردند. همچنین در آن سالها نگرانی و خشم در بین کارگران معادن ذغال سنگ کالیفرنیا در جنوب غربی ویرجینیا بخصوص در باره شیوع بیماری دردناک و کشنده "بلک لانگ" (سیاهی ریه) شدید بود. سخنرانی های دکترها در سالنهای اتحادیه های کارگری، در مدارس و در کلیساها به نگرانی های مردم و کارگران دامن می زد. یک حادثه فجیع مقاومتی در حال افزایش کارگران را شعله ور کرد. در بیستم نوامبر سال ۱۹۶۸ انفجار ناشی از گاز متان و خاکستر ذغال سنگ باعث مرگ بیش از هفتاد کارگر شد و خبر وقوع این حادثه در سراسر آمریکا منعکس شد. واکنشهای رهبران اتحادیه های کارگری و سیاستمداران در باره آن فاجعه همگی مشابه و در جهت توجیه آن بودند و آقای تونی بویل رهبر اتحادیه کارگری «اتحادیه کارگران معادن» به این معادن مسافرت کرد و

در آنجا گفت: "تا زمانی که ما مجبوریم در معادن کار کنیم یک چنین اتفاقاتی اجتناب ناپذیر هستند و کمپانی صاحب معدن حادثه دیده از نظر انجام اقدامات ایمنی برای کارگران یکی از بهترین کمپانیها است...." اما در سال ۱۹۴۷ وقتی که در حادثه مشابهی در معدنی در ایلینویز ۱۱۱ کارگر کشته شدند آقای جان. ال. لوئیس بر خلاف آقای تونی بویل، در بازدید از آن معدن گفت: "... ذغال سنگ با خون تعداد زیادی از کارگران آغشته شده است و تعداد زیادی زن بیوه و بچه یتیم بر جای گذاشت است..."

اعتصابات سال ۱۹۶۹ در رابطه با بیماری ریه سیاه

آقای آی. ای. باف که یک متخصص قلب بود به تنهایی یک کمپین برای افشای کمپانی های استخراج ذغال سنگ براه انداخت زیرا این کمپانیها هیچ اقدامی جهت کنترل ذرات ذغال سنگ معلق در هوای معادن انجام نمی دادند. در سالهای ۱۹۵۰ کار مداوم ماشینهای حفاری موجب آلوده کردن هوای معادن ذغال سنگ زیرزمینی می شدند (ورود و انباشت ذرات ذغال سنگ معلق در هوا در ریه های کارگران باعث ایجاد بیماری سیاهی ریه می شد که خود موجب مرگی دردناک می شد). آقای آی. ای. باف در سال ۱۹۶۸ به فرماندار منطقه گفت که در بین کارگران مبتلا به بیماری "سیاه شدن ریه" در ویرجینیای غربی، تاکنون فقط چهار نفر خسارت دریافت کرده اند. در جهت خنثی کردن اقدامات کسانی مثل آقای باف، انواع کسانی که سر در آخور سرمایه داران داشتند برای توجیه شرایط ضد انسانی وضعیت کاری کارگران و دفاع از منافع سرمایه داران به توجیه شرایط ناسامان کارگران پرداختند. برای مثال چارلز آندروز رئیس بخش تحقیقات علمی دانشگاه ویرجینیا اعلام کرد که: "...بله ممکن است که خاکستر ذغال سنگ باعث ایجاد ناراحتی برای کارگران بشود اما

علت اصلی مریض شدن کارگران کشیدن سیگار است." و در ادامه یک مؤسسه پزشکی در "کابل کاونتی" اعلام کرد که وضعیت سلامتی کارگران در شرایط قابل قبولی است و وجود بیماری سیاهی ریه جای نگرانی ندارد. مرکز پزشکی "کناوها کاونتی" با انتشار بیانیه ای عملکرد پزشکی را که بر علیه عوارض بیماری سیاهی ریه افشاگری میکنند محکوم کردند. رهبران اتحادیه کارگری «اتحادیه کارگران معادن» توجه کمی به نگرانی کارگران در مورد بیماری سیاهی ریه از خود نشان میدادند. در ۲۶ ژانویه ۱۹۶۹ هزاران نفر از کارگران و خانواده های آنان در یک گردهمایی از دولت و قانونگذاران خواستند که ضمن کنترل آلودگی هوا در معادن ذغال سنگ، به کارگران قربانی بیماری سیاهی ریه خسارت بپردازند و دکتر باف نیز به این گردهمایی دعوت شده بود اما او حضور نیافت.

سه روز بعد آقای ر. ه. همپریز رهبر اتحادیه کارگری «اتحادیه کارگران معادن» در منطقه ۱۷ در چارلستون یک سخنرانی به تمامی اتحادیه های کارگری وابسته به خود صادر کرد و از آنان خواست تا مبدا به مؤسسه حمایت از مبتلایان به بیماری سیاهی ریه کمک مالی بکنند و تهدید کرد که هر کارگری که عضو این مؤسسه بشود از عضویت در این اتحادیه کارگری اخراج خواهد شد.

دکتر رنالد برنز که از طرف مرکز پزشکی "کابل کاونتی" قبلاً بیانیه ای برای توجیه و بی اهمیت بودن بیماری سیاهی ریه صادر کرده بود در جلسه بررسی تدوین قانون در مورد این بیماری حضور داشت و آقای سناتور "وارن مک گراو" که خودش در یک خانواده صاحب معدن متولد شده بود از آقای برنز پرسید که صاحبان معادن ذغال سنگ چقدر پول به او پرداخته اند تا او به نفع آنان شهادت بدهد؟ و آقای برنز در جواب گفت: "... که به من به اندازه کافی پرداخت نشده است و من نمی توانم به شما بگویم که دقیقاً چه مبلغی دریافت کرده ام اما پولی که من دریافت کرده ام بابت اعلام نظرم و وقتی که صرف این موضوع کرده ام به

من پرداخت شده است..."

به دنبال آن در سه شنبه ۱۸ فوریه در معدنی در نزدیکی شهر "رذل" به هنگامی که شیفت روز میخواست کار خود را در زیر زمین آغاز کند یکی از کارگران به دلیل مریضی سیاهی ریه حالش به هم خورد و تمامی کارگران با دیدن این صحنه دست از کار کشیدند و خواستار تصویب قانون حمایت از مبتلایان به بیماری سیاهی ریه شدند. روز بعد کارگران ۱۴ معدن دیگر نیز که در نزدیکی این شهر بودند دست از کار کشیدند و تا آخر همان هفته دوازده هزار کارگر معدن در آن ناحیه در اعتصاب بودند. در روز دوشنبه بعد از آن، هزاران کارگر وارد چارلستون شدند و شعار می دادند: تا قانون حمایت از بیماران مبتلا به سیاهی ریه تصویب نشود، ذغال سنگ استخراج نخواهند کرد و تا یک روز بعد یعنی روز سه شنبه، بیش از سی هزار کارگر در اعتصاب بودند. بعضی ها کمونیستها را مسئول برانگیختن اعتصاب و آقای باف عدم تمایل قانونگذاران برای تصویب قانون حمایت از کارگران را عامل شروع اعتصاب می دانستند. در پنجم ماه مارس وقتی که مجلس سنا بررسی قانونی در مورد رسیدگی به وضع کارگران مبتلا به بیماری سیاهی ریه را آغاز کرد، از چهل و سه

### اعتراض گسترده کارگران ساختمانی در دبی

داوود رفاهی

بیش از ۴۰۰۰ تن از کارگران ساختمانی در دبی متعلق به شرکتهای Sun Engineering و Al Habtoor Engineering روزهای شنبه و یکشنبه ۲۷ و ۲۸ اکتبر در کمپهایشان در منطقه جبل علی از رفتن به سر کار خودداری کرده و دست به تحصن زدند. اعتراض آنها به کمی دستمزد، وضعیت نامناسب کمپها و نبود وسایط نقلیه مناسب برای انتقال آنها به محل کارشان است. کارگران که کمپهای محل اقامتشان را به اشغال خود در آورده بودند با دخالت پلیس که با باتون و گاز اشکآور وارد معرکه شده بودند، دست به شکستن ماشین و اموال شرکتها و درگیری با پلیس

هزار کارگر معدن در ویرجینیای غربی، چهل هزار نفر بطور غیر قانونی در اعتصاب بودند. اما قانون مصوبه مجلس سنا بسیار ضعیف تر از قانونی بود که مجلس نمایندگان آمریکا تصویب کرده بود تا اینکه سرانجام در ۸ مارس هردو مجلس قانونگذاری در آمریکا قانونی را تصویب کردند که شبیه قانون اولیه مصوبه مجلس نمایندگان آمریکا بود. به موجب این قانون کارفرماها موظف به کنترل میزان آلودگی هوای معادن شدند و یک صندوق مالی برای حمایت از کارگران مریض ناشی از بیماری سیاهی ریه ایجاد شد. کارگران معدن که روز بعد در شهر برکلی تجمع کرده بودند گفتند که تا زمانی که این قانون توسط آقای "آرچ مور" فرماندار ایالت از حزب جمهوریخواه امضا، نشود به سر کارهای خود باز نخواهند گشت. سرانجام آقای مور تحت فشار شدید، قانون مصوب مجلس نمایندگان آمریکا را امضا، کرد و بدین ترتیب کارگران در نتیجه اتحاد و مبارزه بطور نسبی به خواسته های خود رسیدند هر چند که سرمایه داران همیشه و در همه جا به تعهدات خود عمل نمی کنند و قوانین خود پذیرفته را زیر پا می گذارند و نقض می کنند..

زند که متعاقب آن تعدادی از کارگران دستگیر و به زندان منطقه عویر منتقل می شوند.

این کارگران که اکثریت آنها از کشورهای هند، پاکستان و بنگلادش هستند، دستمزدی معادل ۱۴۹ دلار در ماه برای غیر متخصصین و ۱۷۷ دلار برای کارگران متخصص دریافت می کنند. کارگران اعلام کرده اند که دستمزدشان باید به ۲۴۵ دلار و ۳۲۶ دلار افزایش یابد. بدنبال این اعتصاب، وزیر کار امارات متحده عربی، علی عبدالله الکعبی، تهدید کرد که کارگرانی که در اعتصاب شرکت کنند از کشور اخراج می شوند. چند ساعت بعد از این سخنان، جانشین وزیر کار عمید بن دیماس، اعلام کرد که حکم اخراج بیش از ۴۰۰۰ کارگر صادر شده و

## اخبار اعتراضی کارگری در ایران

### تجمع اعتراضی کارگران نساجی شماره ۳ طبرستان

طبق خبری که ویلاگ "خبرنامه فعالین مازنداران" منتشر کرده است، کارگران نساجی شماره ۳ طبرستان روز دوم آبان ماه در اعتراض به تضییع حقوق خود برای دومین بار در مقابل فرمانداری طبرستان تجمع کردند. کارگران خواهان پرداخت حقوق و دستمزد ۵ ماه خود شدند و خواستار ملاقات با فرماندار قائم شهر شدند. کارگران نساجی طبرستان علاوه

### کارگران هفت تپه ...

کارگران را حقیر می‌شمارند و از سوی دیگر بیان میدارند: کل کارگرانند که سخن می‌گویند، راه چاره می‌جویند، احتیاج به وحدت و همدلی و متشکل شدن را اندیشه می‌کنند. (ناصر پایدار) ظاهراً این "شورای کارگران" است که کارگران را به این همدلی رهنمون می‌سازد اما این شورا کجا و کی و طی چه پروسه ای باید شکل بگیرد معلوم نیست، چون اصلاً قرار نیست تشکیل شود.

خوشبختانه کارگران ایران بی توجه به ایشان امر خود را پیش می‌برند و همین ایشان را به پریشان بافی انداخته. ایشان برای اینکه ثابت کنند مبارزه کارگران راه به جایی نمی‌برد و اصلاً اهمیت ندارد مدام تاکید دارند که این مبارزات تدافعی است و دارای سطح نازلی است. کارگری که به نان شبش محتاج شده است و فریاد برمی‌کشد: "گرسنه ایم گرسنه" و میدانند که این دولت با همه دم و دستگاه امنیتی و نظامی اش مدافع این گرسنگی کشیدن کارگران است و با همین یک شعار ساده و روشن عملاً خواستار برکناری دولتی که این گرسنگی را سازمان می‌دهد است. نماینده اش را این دولت می‌باید ترور می‌کند و به زندان می‌فکند و کارگر در هر قدم با دولت سرکوبگر مواجه است یعنی اینکه عملاً دارد کار سیاسی می‌کند و خواسته سیاسی مطرح می‌کند. این دو

بر مطالبه حقوق و دستمزدهای معوقه خود، از وضعیت بیمه بیکاری و عدم امنیت شغلی در این منطقه نیز ابراز ناراضی‌ت می‌کردند و خواهان رسیدگی به این وضعیت شدند.

### کارگران عسلویه اتوبوس احمدی نژاد را محاصره کردند

بنا به گزارش‌های منتشره، محمود احمدی نژاد که اوایل آبان ماه به منطقه عسلویه رفته بود، در

### از صفحه ۶

طیف اصرار عجیبی دارند که مبارزات کارگران را صرفاً صنفی بدانند و عملاً با کوچک شمردن مبارزه کارگران و با تحقیر آن آب به آسیاب دم و دستگاه بورژوازی میریزند. کارگر دیگر چگونه باید نشان دهد "اساس نظم سرمایه داری" را هدف قرار داده تا این آقایان قانع شوند که اینگونه است؟ این به ظاهر فعالین کارگری گله دارند (واقعا فقط گله دارند و گر نه اصلاً مسئله شان این نیست؛ هر دو طیف به نوعی عالی‌ترین شکل کارگری که حزب او باشد موکول به محال می‌کنند و نالازم و روشن‌فکر بازی میدانند) کارگر تشکیلات ندارد و هنگامی که کارگران اقدام به تشکیل تشکیلاتی می‌کنند به خط می‌شوند: می‌باید کار سیاسی بکنید یا سندیکا آخر هر تشکیلاتی است و یا در نگوشت اقدام کارگران میسر آیند که این "عشق ورزی" به سندیکا بیهوده است چون "همدلی" ایجاد نمی‌کند. و تا جا دارد همه را به غیر از خودشان متهم به سکتاریست بودن می‌کنند.

و کلام آخر اینکه: سندیکا به شکل شناخته شده آن یعنی عدم اتکا هرروزه به مجمع عمومی در مبارزه کارگران واحد نشان داد که تشکیلات مطلوب کارگران نیست. چون عملاً از بالای سر کارگران تصمیم می‌گیرد و برای توجیه خودش به همان قانونی پناه می‌برد که کارگران را سرکوب کرده و

## مرگ یک کارگر بدنبال سقوط به چاه

خانواده صابر نواری و مردم اوپهنگ، داغدار مرگ این کارگر هستند.

یک کارگر اهل اوپهنگ به اسم صابر نواری که تا پنج ماه قبل در یک کارخانه در محلی دردمانند کار می‌کرده و او را از کارخانه اخراج کرده بودند، بعد از قطع امید از کار در کارخانه بناچار برای امرار معاش خود و خانواده به چاه کنی مشغول شده و متأسفانه چهارماه پیش در جریان کندن چاه به داخل چاه سقوط کرده و از ناحیه نخاع دچار صدمه شدیدی شده بود و در یکی از بیمارستانهای تهران وی را بستری کرده بودند اما با نهایت تأسف دیروز دوشنبه ۸- ۷- ۱۳۸۶ ساعت چهار صبح جان باخت و جسد او را به روستای اوپهنگ در حومه سسندج انتقال دادند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ضمن ابراز همدردی با خانواده صابر نواری و تمامی دوستان و بستگان او از همه این عزیزان می‌خواهد که خانواده او را

### اعتراض گسترده کارگران ساختمانی ...

از صفحه ۸

بزرگی و ویژگی‌های آنها باطل خواهد شد. یکرز بعد از این واقعه، یعنی دوشنبه ۲۹ اکتبر صدها کارگر یک شرکت ساختمانی سازی دیگری، بی‌توجه به تهدیدات وزیر کار و جانشین وی، ساعت ۹ صبح در منطقه قصبیص در دبی دست از کار کشیدند و جاده اصلی جلو بیمارستان New Medical Centre را بستند. خواست این کارگران نیز همانند همکارانشان افزایش دستمزد است. این کارگران می‌گویند طی دو سه سال اخیر هزینه زندگی بشدت بالا رفته است و همچنین درآمد شرکت‌های ساختمانی سازی بدلیل رونق بی‌سابقه ساختمانی سازی در دبی و کل امارات متحده بر مراتب افزایش یافته، اما هیچ

تغییری در وضعیت دستمزد آنها بوجود نیامده است. لازم به ذکر است که هم اکنون بیش از ۷۰۰ هزار کارگر مهاجر در بخش ساختمان سازی در امارات متحده عربی مشغول به کار هستند که از این تعداد ۳۰۰ هزار نفر از آنها در دبی هستند. آخرین خبر اینکه بخشی از این کارگران با وعده رسیدگی به خواسته‌هایشان به سر کار برگشته‌اند و روز سه‌شنبه ۳۰ اکتبر رئیس پلیس دبی، ضاحی خلفان، گفته است اخراج ۴۰۰۰ کارگر صحت ندارد و تنها ۲۰ تا ۲۵ نفر از آنها که دست به تخریب اموال عمومی زده‌اند، محاکمه و اخراج خواهند شد.

## زنده باد سوسیالیسم



## سه اطلاعیه اخیر در مورد مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه

### فعالین کارگری نیشکر هفت تپه باید فوراً آزاد شوند

همانگونه که قبلاً به اطلاع رساندیم دوتن از فعالین کارگران نیشکر هفت تپه قربان علی پور و محمد حیدری مصر در روزهای ۱۴ و ۱۶ آبان توسط مامورین وزارت اطلاعات رژیم دستگیر شدند و کارگران اعلام کردند که اگر این دو فوراً آزاد نشوند دست به اعتصاب خواهند زد. با اعتصاب کارگران شیفت صبح در روز ۱۶ آبان، محمد حیدری مصر در همین تاریخ هنگام شب آزاد شد. گزارش دریافتی ما حاکی از این است که مامورین اطلاعات صبح روز پنجشنبه ۱۷ آبان دوباره او را بازداشت کردند. صبح این روز هنگامیکه کارگران دیدند قربان علیپور هنوز در بازداشت است و محمد حیدری مصر نیز دوباره دستگیر شده است. نمایندگان خود را

برای مذاکره سراغ مدیریت فرستادند. بعد از مذاکره با مدیریت و مسئول حراست و مقامات مسئول دیگر به کارگران قول داده شد که تا ظهر این روز دو همکار آنها را از زندان آزاد کنند. اما در بعد از ظهر پنجشنبه کارگران مطلع شدند که گفته شده است که قربان علی علیپور و محمد حیدری مصر هر یک با قید وثیقه ۵۰ میلیون تومان از زندان آزاد خواهند شد. کارگران خشمگین در مقابل این تصمیم اعلام داشتند که برای آزادی این دو همکار خود دست به هر تلاشی خواهند زد. در همین رابطه یکی از کارگران نیشکر هفت تپه در گفتگویی با برنامه کارگران و یک دنیای بهتر در تلویزیون کانال جدید، از همه کارگران، دانشجویان، معلمان و سازمانهای جهانی خواستار حمایت و پشتیبانی از خواست ها و مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه شد. او گفت که ما کارگران

نیشکر هفت تپه الگوی روشنی مقابل کارگران در سراسر کشور قرار داده است.

کارگران نیشکر قبلاً در بیانیه شش ماده ای خود اعلام کرده بودند که مجمع عمومی خود را منتظماً هر هفته تشکیل میدهند. این برای کارگران نیشکر هفت تپه حیاتی است. تلاش برای متشکل شدن و جمع شدن منظم و هفتگی کارگران به آنها امکان میدهد که با آمادگی و اتحاد هرچه بیشتر به تهدیدات و توطئه های هرروزه کارفرما و وزارت اطلاعات پاسخ دهند. بهردرجه کارگران متشکل تر باشند وزارت اطلاعات و کارفرما ترس بیشتری از توطئه علیه کارگران خواهند داشت.

حزب کمونیست کارگری دستگیری قربان علیپور را شدیداً محکوم میکند و قاطعانه از مبارزه کارگران برای آزادی او حمایت میکند. قربان علیپور باید فوراً و بی قید و شرط آزاد شود. به دستگیری و اذیت و آزار کارگران و هر نوع پرونده سازی علیه فعالین کارگری نیشکر باید پایان داده شود. حزب کارگران، دانشجویان و همه مردم آزادیخواه در

### بدنبال دستگیری قربان

### علیپور کارگران هفت تپه تهدید به اعتصاب کردند

بنابه گزارشات رسیده غروب روز ۱۴ آبانماه قربان علیپور یکی از فعالین نیشکر هفت تپه توسط وزارت اطلاعات ربوده شد و به نقطه نامعلومی انتقال یافت. کارگران نیشکر اعلام کردند که چنانچه همکارشان تا سه شنبه شب آزاد نشود از صبح چهارشنبه دست به اعتصاب خواهند زد و تا آزادی او و تا زمانی که به تهدید کارگران و دستگیری آنها پایان داده نشود به اعتصاب ادامه خواهند داد.

وزارت اطلاعات قبلاً نیز یکی دیگر از فعالین نیشکر بنام فریدون نیکوفر را دستگیر کرد که با التیماتوم کارگران مجبور به آزادی فوری او شد. کارگران هفت تپه بخوبی واقفند که درمقابل دستگیری همکاران خود بعنوان یک اتفاق بسیار مهم بلافاصله دست به عکس العمل بزنند. این موثرترین راه مقابله با توطئه های وزارت اطلاعات است. مبارزه کارگران

سراسر کشور را به اعلام همبستگی با کارگران هفت تپه و تلاش برای پایان دادن به اذیت و آزار فعالین کارگری فرامیخواند.

زنده باد همبستگی و اتحاد کارگران نیشکر هفت تپه

آزادی برابری حکومت کارگری

مرگ بر جمهوری اسلامی

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۵ آبان ۱۳۸۶ - ۶ نوامبر ۲۰۰۷

### اعتصاب مجدد کارگران

### نیشکر هفت تپه برای آزادی همکاران خود شروع شد

بنا به گزارش دریافتی امروز چهارشنبه ۱۶ آبان کارگران شیفت صبح در کارخانه نیشکر هفت تپه دست به اعتصاب زدند و به همراه شمار دیگری از همکاران خود مقابل دفتر مدیریت این کارخانه تجمع کردند. تعداد کارگران تجمع کننده به ۵۰۰ نفر میرسید. کارگران خبر داده اند که علاوه بر قربان (رمضان) علی پور که روز دوشنبه ۱۴ آبان دستگیر شده، امروز صبح قبل از شروع اعتصاب یکی دیگر از همکاران آنها بنام محمد حیدری مصر نیز توسط

شکند. باید در مقابل این توطئه ایستاد. اکنون که کارگران نیشکر هفت تپه متحد و مصمم به ادامه اعتراضات هستند، اکنون که نزدیک به دوهزار و پانصد کارگر این کارخانه امضا جمع کرده اند تا سندیکای خود را تشکیل دهند و اعلام کرده اند که هر هفته جمع خواهند شد و مجمع عمومی خود را تشکیل خواهند داد، و خواست تشکیل سندیکا خواست همه کارگران در این شرکت است، باید با اتکا به این اتحاد همبستگی در مقابل تعیین وثیقه برای آزادی قربان علیپور و محمد حیدری متحدانه بایستند و

آزادی بدون قید و شرط آنها را به دولت تحمیل کنند. برای این کار تنها با اعتصابی قدرتمند است که کارگران خواهند توانست این توطئه را خنثی کنند. مبارزه متحدانه برای آزادی بدون قید و شرط این کارگران یک گام مهم برای متحد ماندن صفوف کارگران نیشکر هفت تپه و تشبیت تشکل خود به دولت است. کارگران زندانی باید بدون قید و شرط آزاد شوند.

مرگ بر جمهوری اسلامی

زنده باد اتحاد کارگری

آزادی برابری حکومت کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۸ آبان ۱۳۸۶ - ۹ نوامبر ۲۰۰۷

و تلاش برای تحمیل و تشکیل چنین تشکلی در جریان است. این اعتصاب انعکاس بسیار گسترده ای در میان کارگران داشت و الگوهای آموزنده ای را جلوی همه کارگران گذاشت. جمهوری اسلامی در تقلاست که همین دستاوردها را خنثی کند و مانع برپایی مجمع عمومی کارگران در روزهای پنجشنبه و شکل گیری تشکلشان شود. پاسخ به این حکومت همان است که کارگران داده اند یعنی مقابله متحدانه و قاطع همه کارگران! کارگران نیشکر هفت تپه متحدند و در عین حال حمایت وسیعی را در میان کارگران در ایران و در سطح جهان بدنبال خود دارند. قربان علی پور و محمد حیدری مصر باید فوراً آزاد شوند و به فضای تهدید و فشار برکارگرانی که حقوق بدیهی و ابتدایی خود را میخواهند، فوراً خاتمه داده شود.

زنده باد اتحاد کارگری!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۶ آبان ۱۳۸۶ - ۷ نوامبر ۲۰۰۷

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۶ آبان ۱۳۸۶ - ۷ نوامبر ۲۰۰۷

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۶ آبان ۱۳۸۶ - ۷ نوامبر ۲۰۰۷

حزب کمونیست کارگری ایران